

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لیلی مارتین
برگردان از: سعید عطاپور
فرستنده: عثمان حیدری
۰۸ دسمبر ۲۰۱۸

نامه ای از سوریه

سلاخی دوستان و همسایه های من پروژه ای سوریه ای نبود. نقشه این جنایتها در اروپا طراحی شد و اجماع
"دوستان سوریه" نیز در آنجا برگزار گردید.

یادداشت سردبیر:

مطلبی که پیش رو دارید نامه ای است که خانم لیلی مارتین، یک پزشک آمریکائی مقیم شهر لاذقیه در سوریه به برند
دوشنر، فعال اجتماعی المانی و بنیانگذار انجمن "دوستی با والیه وو" Freundschaft mit Valjevo نوشته است.
خانم مارتین یک تحلیلگر سیاسی نیست و آنچه به نگارش درآورده است مشاهدات خود اوست. اهمیت نامه حاضر نیز
نه در جنبه های تحلیلی آن بلکه در همین مشاهدات تکان دهنده و حقایقی است که خانم مارتین به بیان ساده خویش آنها
را بازگو نموده است.

مخاطب خانم مارتین شخصی است به نام برند دوشنر در المان. برند دوشنر تا آغاز جنگ یوگسلاوی یک فروشنده بیمه
در المان بود. تهاجم ناتو به این کشور زندگی دوشنر را دگرگون کرد. متأثر از فجایع جنگی و بمباران شهرهای
صربستان، دوشنر انجمن "دوستی با والیه وو" را برای رساندن کمکهای عملی به شهر والیه وو تشکیل داد که چندین
بار مورد تعرض بمب افکن های ناتو قرار گرفته بود. او شروع به جمع آوری دارو و مواد غذایی نوزادان و تجهیزات
اولیه برای مردم والیه وو نمود و همراه با اعضای دیگر انجمن کاروانهای امداد را سازماندهی کرد. از آن زمان به
بعد، دوشنر کاروانهای متعددی را برای کمک رسانی به قربانیان حملات ناتو و مردم جنگ زده در افغانستان و عراق
و سوریه سازماندهی نمود و کودکان بیمار یا مجروح را برای مداوا به المان آورد تا پس از بهبودی به خانه هایشان باز
گردند.

نامه ای از یک پزشک زن آمریکائی ساکن شهر ساحلی لاذقیه در سوریه!

آقای دوشنر عزیز،

من می خواهم برایتان از/و راجع به سوریه بنویسم و اگر مایل هستید، می توانید آن را چاپ کنید.

اسم من لیلی مارتین است. من شهروند آمریکائی هستم که بیش از بیست و پنج سال در شهر لاذقیه زندگی می‌کنم. چهل سال قبل با شوهر فعلی‌ام که یک سوریه‌ئی است ازدواج کرده‌ام. قبل از مهاجرت به سوریه، من به عنوان پزشک در کالیفرنیا کار می‌کردم.

شهر لاذقیه یک شهر ساحلی و بندری در سوریه است. به خاطر مناطق ساحلی این شهر، توریسم مهمترین منبع درآمد مردم این شهر است. در کنار پلاژهای ساحلی دو منطقه بیلاقی معروف نیز در فاصله یک ساعت رانندگی با شهر وجود دارند. معروفیت این دو منطقه به خاطر هوای خنک کوهستانی به خصوص در ایام تابستان است، که جاذبه توریستی بسیار بالائی را برای این مناطق به ارمغان آورده است.

من هیچ‌گاه در سوریه شاهد دشمنی‌های مذهبی نبودم. به یمن خصوصیت سکولار دولت سوریه هر فردی در مقابل قانون از حق برابر برخوردار بود. و سوریه‌ئی‌ها صرف نظر از تعلقات مذهبی‌شان برای همدیگر احترام قائل بوده و حتی می‌توان گفت به همدیگر رفاقت می‌ورزیدند. من بخوبی می‌توانم حمله آمریکا و ناتو به یوگسلاوی را به خاطر بیاورم و آنزمان از خودم می‌پرسیدم، آیا همچنین اتفاقی در اینجا نیز امکان پذیر است؟

زمانی رسید که آمریکا به عراق حمله کرد. سوریه از این حمله در امان بود، گذشته از آن که سوریه بیش از دو میلیون فراری از عراق پناه داد. در سال ۲۰۱۰ آنجلینا جولی و برد پیت برای دیدن پناهندگان عراقی به سوریه آمدند. آنها با رئیس‌جمهور سوریه و همسرش ملاقاتی داشتند، تا از مهمان‌نوازی سوریه‌ئی‌ها برای پناهندگان عراقی ابراز تشکر کنند.

پس از کشف معادن عظیم گازی در ساحل سوریه زمان طولانی نگذشت و حملات آمریکا و ناتو به سوریه آغاز گردید. تصور من این بود که این بحران فقط زمانی کوتاه دوام خواهد آورد، چرا که من به این امر واقف بودم که اکثریت مردم سوریه، از عقاید اسلامی افراطی دفاع نخواهند کرد. فقط اقلیتی کوچک که طرفدار اخوان المسلمین بودند، فعال بود. اما این اقلیت کوچک توان برپائی و به راه اندازی یک شورش را نداشت. این افراد نیز به دنبال جذب افکار مردم سوریه برای اهداف خود نبود، آنها تمام جهان غرب را پشت سر خود داشتند. آمریکا، انگلیس، آلمان، کشورهای بازار مشترک، فرانسه، کانادا و استرالیا پشت سرشان بودند. هنگامی که آنها به سیاهی لشکر و نیرو احتیاج پیدا کردند، از اروپا، آفریقا و آسیا نیروهای القاعده را بسیج کرده، به سوی سوریه گسیل نمودند. در مدت زمان کوتاهی ماشین جنگی امریکا-ناتو تمام ملزومات جنگی و انسانی را بسیج کرده بود.

در این بین همسایه‌های من به قتل رسیدند. ده کوچک مسیحی نشین کساب در نزدیکی لاذقیه از جانب ارتش ترکیه، که با تروریستهای مورد حمایت ناتو همکاری می‌کرد، مورد حمله قرار گرفت. خانه من در این ده کاملاً ویران گردید، و همسایگان من همگی سر بریده شدند. این امر در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاد، هنوز هم که هنوز است، ما نتوانستیم ده خود، کساب، را دوباره بازسازی کنیم، چون که تروریستهای مستقر در ادلب خیلی به ما نزدیک هستند. همین دو هفته قبل آنها کساب را مجدداً مورد حمله راکتی قرار دادند.

اینجا بیمارستانها دوباره شروع به کار کرده‌اند و پزشکانی هم اینجا هستند. اما به خاطر تحریمهای آمریکا و اتحادیه بازار مشترک دیگر امکان پخش رایگان داروها من جمله برای شیمی درمانی را نداریم. این داروها را نمی‌توانیم وارد کنیم. قبلاً در سوریه تمام اهالی از درمان رایگان برخوردار بودند. شرکت‌های داروسازی غربی از فروش مستقیم دارو به سوریه خودداری می‌کنند، چرا که آنها از مجازات به خاطر دور زدن تحریمها وحشت دارند. من از شرکت‌های مختلف برای صدور دارو خواهش کردم. اما آنها بشدت وحشت زده هستند که مبادا به خاطر نقض تحریمها مورد تعقیب قرار گرفته و مجبور به پرداخت جریمه‌های نقدی شوند. من با شرکت‌های زیادی نامه‌نگاری کرده‌ام، بدون هیچ نتیجه

مثبتی. من حتی به این خاطر به کنگره امریکا نامه نوشته ام ولی تا کنون هیچ جوابی دریافت نکرده ام. بدین خاطر بایستی داروهای ساخت غرب را به بهای گزافی در لبنان خریداری نمود.

تازگی من سفری کوتاه به دمشق داشتم. با دیدن جلا و زیبایی این شهر و با دیدن میلیون‌ها شهروند که مشغول تحصیل و یا کار بودند، من خیلی احساس خوشبختی کردم. من با دوستانم در حلب، که به این شهر برگشته و زندگی شان را دوباره تشکیل داده اند، صحبت کردم. آنها به من گفتند، شهر حلب با تمام نیرو و توان در حال بازسازی است. حتی اخیراً در شهر حلب یک مسابقه دو ماراتن بسیار بزرگ و چند کنسرت برگزار گردید.

واقعیت این است که، دمشق، حلب، حمس و لاذقیه مناطقی امن و مسکونی با عملکرد های معمولی هستند. مناطقی که امروز به واقع شهر های "معمولی" هستند. باید پرسید، چرا این مناطق پیشرفت نمی کنند؟ چون امریکا و اتحادیه بازار مشترک تمام تلاش خود را به کار می برند تا سوریه ئی ها نتوانند به طور معمول کار کنند، صادرات و واردات داشته باشند و یک زندگی معمولی داشته باشند. مردم سوریه به طور دسته جمعی از جانب ملتهای غربی مجازات می شود، چرا که ما جرممان این است که از ماشین جنگ جهانی امریکا و ناتو زنده بیرون آمده ایم.

از فعالیت تاجرانی که قصد واردات ماشین آلات به سوریه را دارند تا در بازسازی کشور مورد استفاده قرار بگیرند، ممانعت می شود. هر بانکی در سراسر جهان که از این تاجران برای پرداخت قیمت این ماشین آلات پول دریافت کند، این قوانین را نقض کرده و مورد تعقیب قرار می گیرد. به خاطر تحریمهای امریکا و اتحادیه بازار مشترک قبول هر گونه سفارشی- چه برای صادرات و چه برای واردات- از سوریه برای هر شخصی ممنوع است. این یعنی امکان و شانس صفر درصدی برای بازسازی مجدد اقتصاد سوریه.

در خاتمه بایستی گفت، که مردم غرب، در امریکا، در کشورهای ناتو و بازار مشترک شریک جرم در ویرانی سوریه هستند. آنها به هیچ وجه بی تقصیر نیستند. آنها در انتخابات شرکت می کنند و [به شیوه ای] دموکراتیک رهبرانی را انتخاب می کنند. اگر این مردم در مورد سیاست خارجی کشورشان در قبال سرنوشت سوریه بی خیال هستند و آنقدر سرشان به مسائل دیگر گرم است که در مورد مخارجی که از قیل مالیات آنها خرج می شود، اظهار نظر کنند- در اینجا منظورم مشخصاً تأمین مالی تروریسم است- بنابراین بایستی قبول کنند که شریک جرم هستند.

سلاخی دوستان و همسایه های من پروژه ای سوریه ئی نبود. نقشه این جنایتها در اروپا طراحی شد و اجماع "دوستان سوریه" نیز در آنجا برگزار گردید.

تمام اروپائیان بایستی تصمیم خود را بگیرند، یا می خواهند بخشی از راه حل این بحران باشند یا بخشی از خود مشکل.

لیلی مارتین

ترجمه: سعید عطاپور

<https://kenfm.de/tagesdosis-9-11-2018-tiefe-einblicke-schreiben-einer-in-syrien-lebenden-us-aerztin>

منبع: سایت تدارک